

شناسایی پیشرانهای موثر بر ارتقای توسعه منطقه ای با رویکرد آینده پژوهی
(مطالعه موردی: شهرستان زیرکوه)

مصطفی قادری حاجت^۱، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

m.ghaderihajat@modares.ac.ir

محمد شهاب احمدی. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

shahabahmadi73@gmail.com

آرمان کریمی. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

arman.karimi@modares.ac.ir

چکیده:

فضاهای مرزی به دلیل ویژگی‌های فضایی-سیاسی و نقش‌های مدیریتی در مقیاس‌های مختلف، جایگاه ویژه‌ای در استراتژی‌های سیاسی دارند. این مناطق به‌ویژه برای سیستم‌های سیاسی در تأمین ثبات و امنیت داخلی حائز اهمیت هستند. مرزهای شرقی ایران، به‌ویژه شهرستان زیرکوه در استان خراسان جنوبی، که با افغانستان هم‌مرز است و مرزی به طول ۱۱۶ کیلومتر دارد، از اهمیت بالایی در راهبردهای توسعه ملی و منطقه‌ای برخوردارند. مقاله حاضر به تحلیل سناریوهای محتمل برای توسعه شهرستان زیرکوه پرداخته است. مطالعات آینده‌پژوهی با رویکرد ساختاری منعطف، امکان پیش‌بینی و ارزیابی سیستم‌های توسعه‌ای را فراهم می‌کند. این تحقیق به‌صورت توصیفی و تحلیلی با استفاده از روش تحلیل محتوا، متغیرهای مؤثر بر توسعه شهرستان زیرکوه را بررسی کرده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای که بین ۱۵ کارشناس برنامه‌ریزی منطقه‌ای توزیع شد، استفاده شده است و داده‌ها با روش تحلیل ساختاری میک‌مک تحلیل شدند. سناریوهای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد طراحی شده است. نتایج نشان داد که ۲۹ متغیر اثرگذار در توسعه شهرستان زیرکوه شناسایی شدند که از میان آنها، ۱۶ متغیر به‌عنوان متغیرهای اصلی در نظر گرفته شدند. بر اساس این متغیرها، سه سناریو برای توسعه طراحی شد: ۱- استراتژی شرایط بحران: تغییر نگرش به قومیت‌ها، برقراری برابری مکانی و تقویت روابط بین‌الملل؛ ۲- استراتژی در وضعیت بحران یا نیمه‌بحران: افزایش نقش دولت در کاهش تورم، برابری فضایی و تقویت مسیرهای ارتباطی و بین‌الملل؛ ۳- سیاست تداوم وضع موجود: ایجاد تعامل اجتماعی بیشتر و سیاست‌های جمعیتی مناسب. این سناریوها بر مبنای تغییرات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی در منطقه طراحی شده‌اند و می‌توانند راهکارهای مناسبی برای توسعه پایدار این منطقه مرزی فراهم کنند.

کلید واژه ها : زیرکوه، توسعه منطقه‌ای، آینده پژوهی، تمرکز زدایی

جهان امروز نه تنها پیچیده است، بلکه به طور مداوم در حال تغییر و تحول است. از این رو، استفاده از روش‌های سنتی و پیش‌بینی‌های خطی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در چنین دنیایی ناکارآمد به نظر می‌رسد. به جای پیش‌بینی آینده، نیاز به رویکردهای آینده‌نگرانه و انعطاف‌پذیر احساس می‌شود (Hans-Horst, & Jetter, 2003, Varum, Melo, 2020). در این میان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و مناطق مرزی، مشکلات و چالش‌های ویژه‌ای وجود دارد که باعث می‌شود برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای با شکست مواجه شوند. این مناطق، به دلیل عدم توازن در توزیع منابع، نبود ساختارهای مدیریتی مؤثر و تأثیرات منفی سیاست‌های تمرکزگرا، دچار مشکلاتی هستند که در بسیاری از موارد مانع تحقق اهداف توسعه‌ای می‌شوند. شهرستان زیرکوه، یکی از شهرستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی، در جنوب شرقی ایران واقع شده و با کشور افغانستان به طول ۱۱۶ کیلومتر مرز مشترک دارد. این موقعیت جغرافیایی خاص موجب شده تا شهرستان زیرکوه از یک‌سو با چالش‌های امنیتی ناشی از ناآرامی‌ها و بحران‌های داخلی افغانستان مواجه باشد و از سوی دیگر، به‌عنوان یک منطقه مرزی، پتانسیل‌های بالقوه‌ای برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در راستای ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی فراهم آورد. مرزهای شرقی ایران به‌ویژه در نواحی هم‌مرز با افغانستان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این مناطق به‌دلیل هم‌مرزی با کانون‌های بحران و تهدید، باید در استراتژی‌های کلان امنیتی و توسعه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرند. بحران‌های موجود در افغانستان از جمله تهدیدات امنیتی، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت‌های غیرقانونی و تروریسم، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت و ثبات داخلی ایران تأثیرگذار هستند. از طرف دیگر، فرصت‌های تجاری، اقتصادی و فرهنگی که از ارتباط با کشورهای همسایه به‌ویژه افغانستان حاصل می‌شود، می‌تواند به توسعه منطقه‌ای و ملی کمک کند. بنابراین، مدیریت این مرزها و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های موجود، امری ضروری و حیاتی است. شهرستان زیرکوه با ویژگی‌های خاص جغرافیایی و فرهنگی خود، با چالش‌هایی در زمینه‌های مختلف مواجه است. یکی از چالش‌های عمده در این شهرستان، تأمین امنیت مرزی و مقابله با تهدیدات ناشی از وضعیت نامساعد افغانستان است. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی منطقه با مشکلاتی همچون کمبود زیرساخت‌ها، فقدان صنایع بزرگ و متنوع، بیکاری بالا، و مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی مواجه است. علاوه بر این، مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از تنوع قومی و فرهنگی و عدم توازن در توزیع منابع و خدمات، باعث ایجاد شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرستان شده است. با توجه به تحولات سریع در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، به‌ویژه در مناطق مرزی، شناسایی روندها و تحولات آینده و پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو برای شهرستان زیرکوه اهمیت زیادی دارد. در این راستا، رویکرد آینده‌پژوهی به‌عنوان ابزاری برای شبیه‌سازی سناریوهای مختلف و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر توسعه، می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا با ارزیابی آینده‌پژوهانه، استراتژی‌های بهتری برای مدیریت این منطقه طراحی کنند. از آنجا که در شرایط کنونی، تحولات جهانی و منطقه‌ای تأثیر زیادی بر توسعه این شهرستان خواهند گذاشت، تحلیل و پیش‌بینی سناریوهای مختلف می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه‌تر کمک کند. طراحی سناریوهای مختلف برای توسعه شهرستان زیرکوه، به‌ویژه در شرایط

ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی کنونی، ضروری به نظر می‌رسد. سناریوهایی که می‌توانند پاسخگوی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو باشند، باید به‌طور جامع به تحلیل و بررسی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی پرداخته و راهکارهایی برای بهبود وضعیت معیشتی مردم، تقویت زیرساخت‌های منطقه‌ای، بهبود وضعیت امنیتی و افزایش همکاری‌های بین‌المللی در نظر بگیرند. در این راستا، با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و تحلیل ساختاری میک مک، می‌توان به شناسایی و ارزیابی متغیرهای کلیدی مؤثر بر توسعه شهرستان زیرکوه پرداخت. این تحلیل‌ها می‌تواند به شناسایی پیشران‌ها و روندهای مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمک کرده و بر اساس آن، سناریوهای محتمل برای آینده شهرستان طراحی شود. استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی مانند سناریو ویزارد، این امکان را فراهم می‌آورد که با شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کمک شود تا در شرایط عدم قطعیت، تصمیمات بهتری برای توسعه این منطقه اتخاذ کنند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر در توسعه شهرستان زیرکوه و طراحی سناریوهای مختلف توسعه‌ای با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی است. این تحقیق تلاش دارد تا با شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، سیاست‌های بهینه برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیتی شهرستان را به‌ویژه در شرایط مرزی و در معرض تهدیدهای امنیتی، ارائه دهد. به‌علاوه، این مطالعه می‌تواند به عنوان یک راهنمای عملی برای تصمیم‌گیرندگان و مسئولان در طراحی استراتژی‌های منطقه‌ای و ملی برای مناطق مرزی، به‌ویژه شهرستان‌های مشابه با ویژگی‌های زیرکوه، مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به موقعیت حساس جغرافیایی و اهمیت استراتژیک شهرستان زیرکوه در مرز شرقی ایران، این منطقه نیازمند توجه ویژه در سیاست‌های توسعه‌ای کشور است. در این راستا، استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی و طراحی سناریوهای مختلف توسعه‌ای می‌تواند به شناسایی راهکارهای مؤثر در راستای تقویت امنیت، توسعه اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زیست‌محیطی کمک کند. لذا این تحقیق می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های هوشمندانه و جامع برای توسعه پایدار شهرستان زیرکوه باشد.

۲. پیشینه پژوهش

الف) پیشینه مطالعاتی داخلی:

فرهادی (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تأثیر موقعیت جغرافیایی مرزهای شرقی ایران بر امنیت و توسعه اقتصادی مناطق مرزی را مورد بررسی قرار داده است. وی تأکید می‌کند که مرزهای شرقی به‌ویژه در استان‌های مرزی همچون خراسان جنوبی، به‌دلیل مجاورت با کانون‌های بحران مانند افغانستان، با تهدیدات امنیتی روبه‌رو هستند. این مناطق، علاوه بر چالش‌های امنیتی، می‌توانند به‌عنوان دروازه‌های تجاری و فرصت‌های اقتصادی نیز عمل کنند. علی‌زاده و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی به تحلیل سناریوهای مختلف برای توسعه استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که استفاده از مدل‌های آینده‌پژوهی می‌تواند به برنامه‌ریزان کمک کند تا تحولات اقتصادی و اجتماعی این مناطق را بهتر پیش‌بینی کنند و استراتژی‌های مؤثری برای مدیریت این مناطق مرزی تدوین نمایند. حسینی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای عوامل مؤثر در توسعه پایدار شهرستان‌های مرزی ایران را مورد بررسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها، بهبود امنیت مرزی، تقویت ارتباطات بین‌المللی و توجه به مسائل زیست‌محیطی می‌تواند در ایجاد توسعه پایدار در این مناطق مؤثر باشد. آقایی (۲۰۱۸)

در پژوهشی به تحلیل نقش مرزهای شرقی ایران در تأمین امنیت داخلی پرداخته است. وی تأکید دارد که امنیت مرزهای شرقی ایران به‌ویژه مرزهای مشترک با افغانستان تنها به‌عنوان یک مسئله نظامی نباید نگریسته شود، بلکه باید به‌طور هم‌زمان از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز مورد توجه قرار گیرد.

(ب) پیشنهاد مطالعاتی خارجی:

نیکولایف و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های توسعه مناطق مرزی در آسیای میانه پرداخته‌اند. آن‌ها بیان کردند که این مناطق با تهدیدات امنیتی و بحران‌های اجتماعی زیادی مواجه هستند، اما در عین حال از ظرفیت‌های اقتصادی بالایی برای توسعه برخوردارند. همکاری‌های بین‌المللی و تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل برای مدیریت این چالش‌ها مطرح شود. تیموروف و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی مناطق مرزی کشورهای CIS (کشورهای مستقل مشترک‌المنافع) پرداخته‌اند. آنان به این نتیجه رسیدند که آینده‌پژوهی می‌تواند به‌ویژه در پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی کمک کند و به برنامه‌ریزان این امکان را می‌دهد تا سناریوهای مختلف را در نظر بگیرند و به‌طور مؤثرتری برای توسعه این مناطق برنامه‌ریزی کنند. جوردان و کاتز (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به تحلیل مرزهای شرقی اروپا و تأثیر آن‌ها بر توسعه اقتصادی کشورهای همسایه پرداخته‌اند. آنان تأکید دارند که باوجود چالش‌های امنیتی و سیاسی، این مناطق پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصادی دارند، به‌ویژه اگر همکاری‌های منطقه‌ای تقویت شود. آدامز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به تحلیل امنیت و توسعه در مناطق مرزی آمریکا و مکزیک پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برای بهبود شرایط امنیتی و اقتصادی در این مناطق، باید بر روی افزایش همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید شود و در کنار امنیت فیزیکی، مسائل اقتصادی و اجتماعی نیز باید مدیریت شوند.

مطالعه شهرستان زیرکوه به‌عنوان یک منطقه مرزی با تأکید بر رویکرد آینده‌پژوهی و شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، از جنبه نوآوری این تحقیق برخوردار است. در حالی که بیشتر مطالعات پیشین بر تحلیل وضعیت کنونی و مشکلات موجود در مناطق مرزی تأکید دارند، این پژوهش تلاش دارد با استفاده از مدل‌های آینده‌پژوهی، تحولات احتمالی این مناطق را پیش‌بینی کرده و سناریوهای مختلف توسعه را شبیه‌سازی کند. از این رو، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک گام جدید در برنامه‌ریزی مناطق مرزی و توسعه پایدار شهرستان‌های مرزی، علاوه بر تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی، به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده و طراحی استراتژی‌های مؤثر برای مقابله با چالش‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی کمک کند. این رویکرد نوآورانه نه‌تنها در مقیاس شهرستان زیرکوه، بلکه در سایر مناطق مرزی ایران نیز قابلیت تعمیم دارد و می‌تواند به‌عنوان مدل برای توسعه مناطق مرزی در آینده استفاده شود.

۳. مبانی نظری :

۳-۱. برنامه ریزی منطقه ای و آینده نگاری :

در بررسی مفاهیم مربوط به توسعه، باید اذعان داشت که امروزه توسعه، یک مفهوم گسترده و پیچیده می باشد. بدین ترتیب امروزه، مهم ترین رویکرد برای برنامه ریزی، اتخاذ تصمیمات و روش های نوین، متناسب با پیچیدگی مفهوم توسعه و اهمیت برنامه منطقه ای از سوی دیگر است. توسعه منطقه ای با تاکید بر دور نماهای آینده، نوعی تفکر استراتژیک محسوب می شود؛ که با ترکیب در سطح روش و سیاق های عملیاتی، توانایی ساخت چارچوبی تحت

قالب آینده نگاری منطقه ای را دارد (بزاززاده، و همکاران، ۱۳۹۳). در این مسیر است که برنامه ریزی، در قالب برنامه بلند مدت، میان مدت، کوتاه مدت و راهبردی مطرح است. زمانی دریچه های موفقیت خود را باز می کند؛ که ضمن شناخت از شرایط فعلی، دور نماهای آینده را نیز مد نظر قرار دارد (Lumeng, Jianguo, 2021). در واقع آینده پژوهی، هم چنان که از نامش بر می آید؛ بر شناخت و پیش بینی آینده تاکید دارد. اینکه یک نهاد، یا سازمانی که متولی فرایندی است؛ بتواند مسیر رو به رشد خود را با شناخت کامل آینده ترسیم نماید. به همین علت است که آینده نگاری را، باید یک تفکر استراتژیک در برنامه ریزی نام برد؛ چرا که همچون برنامه ریزی استراتژیک، به دنبال تدوین هدف، تجزیه و تحلیل، و رسیدن بدان، حرکت می کند. تمایز این دو رویکرد را بیش از همه باید، در جنبه های انتزاعی بودن برنامه ریزی استراتژیک دانست. این برنامه با بهره گیری از علم حضوری، خلاقیت، و آینده نگاری، برای ترسیم یک چشم انداز یا آینده مناسب حرکت می کند. مطرح شدن رویکرد استراتژیک در واقع، مهیا گر یک فضا مناسب، برای تدوین گری برنامه ریزی استراتژیک است. لزوم تاکید بر آینده نگاری به عنوان بخشی از تفکر استراتژیک، به منظور ساختن امکان وسعت بخشیدن به گزینه های استراتژی، امری ضروری می باشد (Berglund-Snodgrass, 2022). گزینه استراتژی، در واقع نوعی سیاست گذاری است؛ اما باید در نظر داشت که سیاستگذاری، یعنی دست یابی به هدف در شرایط فعلی، این در حالی است که آینده نگاری یعنی، ترسیم آینده، و دست یابی به فرصت ها و تهدیدها، در فردای آینده یک کشور، سرزمین، نهاد و ... است (Khakee, 1991). آینده نگاری اگرچه دارای نقاط اشتراکی زیادی با برنامه ریزی استراتژیکی است؛ اما نباید با آن اشتباه تلقی شود. چرا که برنامه ریزی استراتژی، بیش از همه نگاه به درون دارد؛ در واقع متغیرهای درونی یک سازمان یا مجموعه را مورد بررسی قرار می دهد. این در حالی است که آینده پژوهی، فراتر از این مجموعه حرکت می کند و نگاهی وسیع تر دارد؛ یعنی نه تنها به درون، بلکه مجموعه عوامل بیرونی را نیز مورد توجه قرار می دهد. می توان عنوان داشت که یافته های آینده نگاری، می تواند مبنایی برای تدوین چشم اندازهای استراتژیک آینده باشد. چرا که این آینده نگاری است که بینش و ساختاری ذهنی ما را برای آینده تغییر می دهد (Graham, Marvin, 2000).

نکته قابل توجه در این بین این است که خود برنامه ریزی نیز، منفک شده از دو جریان فکری متفاوت می باشد. در جریان اولیه، برنامه ریزی را می توان یک پارادایم اکتشافی دانست؛ که در نتیجه روابط علی و معلولی منوط به استخراج متغیرهای امروز و گذشته، دست به پژوهش می زند. این جریان، یک نگاه کاملاً جبرگرا دارد؛ چرا که متغیرها امروز و گذشته، روند ثابت و مختومی را به تصویر می کشند؛ که در نتیجه وجود همین رابطه، می توان به تصویر آینده دست یافت. در این نگاه، فرد یک ناظر بیرونی تلقی می شود که با کشف روندها، قادر به ترسیم آینده است. این نگاه فکری، بر اساس پیش بینی و کشف آینده شکل می گیرد (Wu, 2014). این، یک نگاه از امروز به آینده است؛ بنابراین از درون به بیرون حرکت می کند و سعی بر اکتشاف شرایط افتراقی آینده دارد. نقطه آغازین برای این ترسیم، شرایط فعلی و کنونی است (Stojanović, and et al, 2014). باید عنوان داشت که پارادایم اکتشافی، در بردارنده مفاهیمی است که منوط به علت و معلول است. علت و معلولی که در گذشته به وجود آمده است و در آینده قادر به پیش بینی است. بدین ترتیب، باید عنوان داشت که مهم ترین ابزار این پارادایم، همان پیش بینی است. در جریان دوم، با رویکرد هنجاری مواجهه می شویم. در این پارادایم، انسان موجودی است که قدرت ساخت آینده را دارد؛ موقعیتی بیرونی می یابد و موضع خود را تغییر می دهد. می توان این دیدگاه را، نوعی ساخت آینده مبتنی بر توان انسانی دانست. در

این رویکرد هاست که انسان، با مجموعه ای وسیعی از آینده روبرو است؛ آینده ای که امکان وقوع دارد، آینده ای که قابل باور است، و آینده ای که محتمل است، و انسان زمانی می تواند به هر کدام از آینده های خود برسد؛ که بتواند قابلیت های خود و سطوح مطرح شده در آن را ارتقا دهد. این جریان انسان را موجود مختار فرض می کند؛ که کاملاً امکان ساخت آینده مطلوب را بدون در نظر گرفتن روند گذشته دارد؛ و سه مبحث اساسی را مطرح می کند. کدام آینده ممکن است؟ کدام آینده محتمل است؟ و در نهایت کدام آینده خوشایند است؟ (Xu, & et al, 2019). باید عنوان داشت که رویکرد هنجاری، در واقع رویکردی مطعوف به درون است و با برگزیدن یک نقطه مطلوب در آینده، شروع می شود؛ و برخلاف پارادایم اکتشافی، با بینش پس نگری، از آینده تا به حال مطرح می شود (Waks, 2001). این رویکرد، بیش از هرچیزی یک نگاه غایت نگرانه است و غایت نگاری را نمی توان با روابط علی معلولی که از زمان گذشته و حال شکل می گیرد توضیح داد. در این غایت نگری است که امکان دارد گسستگی هایی در مسیر رخ دهد؛ که اعجاب تکنولوژی نام دارد و آینده نگاری را وسیله برنامه ریزی آن می داند (Faludi, 2004). بنابراین، باید چنین دست به نتیجه گیری زد که در رویکردهای سستی یا رویکردهای اکتشافی، سوال اصلی این است که در آینده درازمدت چه اتفاق خواهد افتاد؟ بر این مبنا، اقدام به پیش بینی می کنند و این پیش بینی، اساس تصمیم گیری و سیاست می شود (McLennan, 2004). یا به دیگر سخن، از شرایط فعلی شروع می کند و به درون آینده می رود. در حالی که امروزه در دیدگاه های جدید برنامه ریزی، دیگر از مولفه های امروزی شروع نمی کنند؛ بلکه برنامه ریزی نقطه ای در آینده است و با تمرکز بر آینده و دیده بانی گذشته و حال، گام های معین برای معماری توسعه مطرح می شود (Cunningham, 2023). اگر بخواهیم در تعریف جدید، برنامه ریزی را فرایند حل مسائل امروز و آینده انسان دانست؛ امروزی که کاملاً متحول از گذشته است، پس باید در تعریف آن نیز تغییرات را پذیرفت و بازنگری در آن داشت (Ma, , & Wang, 2023). در پایان باید اذعان داشت که، روندهای پیشنهادی برای برنامه ریزی، به ویژه در سطح منطقه و ناحیه، روند آینده پژوهی بر اساس پارادایم هنجاری است.

۲-۳. تفاوت و رابطه آینده پژوهی و آینده نگاری

آینده پژوهی و آینده نگاری دو حوزه متفاوت اما مرتبط با هم در زمینه تحلیل و پیش بینی تحولات آینده هستند که در بسیاری از مواقع در فرآیندهای برنامه ریزی و سیاست گذاری استفاده می شوند. در حالی که این دو مفهوم به نظر مشابه می آیند، تفاوت های کلیدی در روش ها و اهداف آنها وجود دارد.

آینده پژوهی (Foresight) به عنوان یک حوزه علمی و کاربردی به مطالعه و تجزیه و تحلیل روندهای بلندمدت آینده و سناریوهای ممکن پرداخته و هدف آن شبیه سازی آینده های متعدد و پیش بینی تحولات مختلف است (Slaughter, 1999). آینده پژوهی با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند مدل سازی، تحلیل روند و سناریو نویسی به بررسی تحولات بالقوه پرداخته و به تصمیم گیرندگان کمک می کند تا با آمادگی بیشتری به چالش ها و فرصت های آینده پاسخ دهند. آینده پژوهی عمدتاً بر عدم قطعیت ها، پیچیدگی ها و انتخاب های متعدد آینده تأکید دارد و هدف آن نه پیش بینی دقیق آینده بلکه ارائه گزینه ها و سناریوهای مختلف برای تصمیم گیری بهتر است. (Voros, 2003)

آینده نگاری (Futuring) نیز یکی دیگر از رویکردهای مشابه در تحلیل آینده است، با این تفاوت که بیشتر بر طراحی و ساختاردهی آینده بر اساس اهداف و آرزوهای معین متمرکز است. آینده نگاری فرآیندهایی است که با تأکید بر روی

مدل‌ها و چارچوب‌های ساختاری، به دنبال طراحی و ترسیم آینده‌هایی است که ممکن است مطابق با دیدگاه‌ها و ارزش‌های خاصی شکل گیرند (Rieckmann, 2012). در واقع، آینده‌نگاری بیشتر به ایجاد آینده مطلوب و طراحی اقداماتی برای تحقق آن می‌پردازد و بیشتر بر خواسته‌های انسانی و آرزوها تکیه دارد.

تفاوت‌ها در این دو رویکرد عمدتاً در سطح اهداف و روش‌ها قرار دارد. آینده‌پژوهی بیشتر به تحلیل روندها و شبیه‌سازی سناریوهای مختلف تمرکز دارد، در حالی که آینده‌نگاری بر طراحی آینده‌ای مطلوب و ساختاردهی آن برای تحقق اهداف خاص متمرکز است (Slaughter, 1999). به عبارتی، آینده‌پژوهی به‌طور عمده به بررسی عدم قطعیت‌ها و تحلیل گزینه‌ها می‌پردازد، در حالی که آینده‌نگاری بیشتر به ایجاد یک چشم‌انداز مثبت از آینده توجه دارد.

رابطه میان آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری این است که هر دو رویکرد به تحلیل و تصمیم‌گیری در زمینه آینده کمک می‌کنند، اما با تأکیدات متفاوت. در واقع، آینده‌پژوهی می‌تواند ابزارهایی برای فهم بهتر روندها و احتمالات آینده فراهم کند که در طراحی و ایجاد آینده‌های مطلوب توسط آینده‌نگاری استفاده شود. بنابراین، این دو رویکرد نه تنها مستقل از یکدیگر نیستند بلکه در کنار هم می‌توانند به دستیابی به اهداف بلندمدت و مواجهه با چالش‌های آینده کمک کنند.

۳-۳. چارچوب نظری

در توسعه منطقه‌ای و تحلیل تهدیدات و فرصت‌های موجود در مناطق مرزی، نظریات مختلفی وجود دارند که می‌توانند به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر به کار روند. یکی از مهم‌ترین نظریات، **نظریه توسعه منطقه‌ای و تفاوت‌های فضایی** است که به‌طور گسترده‌ای در تحلیل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف به کار می‌رود. **مارتین (2011)** بیان می‌کند که عوامل مختلفی همچون منابع طبیعی، زیرساخت‌ها و دسترسی به بازارها می‌توانند بر روند توسعه منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. به‌ویژه در مناطق مرزی، عواملی چون سیاست‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی تأثیرات عمده‌ای در سرعت و نوع توسعه دارند. شهرستان زیرکوه با توجه به موقعیت استراتژیک خود در مرز با افغانستان، از این تفاوت‌های فضایی در فرآیند توسعه رنج می‌برد و نیازمند توجه خاصی در برنامه‌ریزی است.

در کنار این، **نظریه توسعه پایدار** به‌ویژه در مناطق مرزی، از اهمیت زیادی برخوردار است. **براون (2016)** معتقد است که توسعه پایدار باید در راستای حفظ محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی مردم، همراه با تقویت زیرساخت‌ها و بهره‌برداری از منابع طبیعی باشد. در مناطق مرزی چون شهرستان زیرکوه، توسعه پایدار می‌تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و همچنین مدیریت چالش‌های زیست‌محیطی عمل کند. از این رو، توجه به رویکردهای توسعه پایدار در این مناطق، به‌ویژه با توجه به شرایط خاص مرزی آن، امری ضروری است.

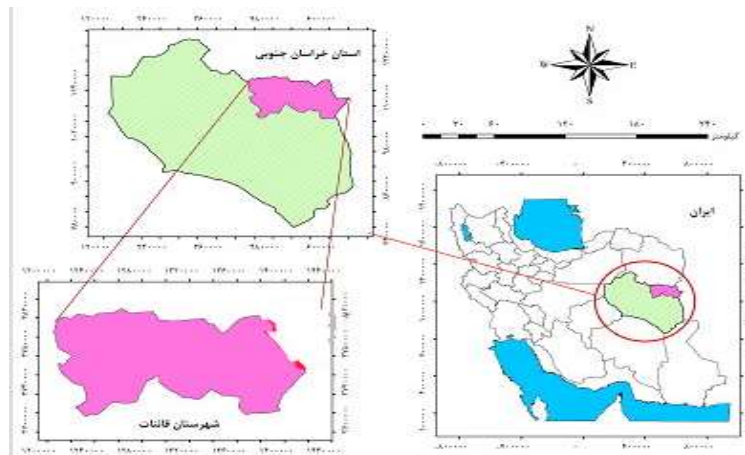
یکی دیگر از نظریات مهم در این زمینه **نظریه آینده‌پژوهی و سناریوسازی** است که در تحلیل تحولات احتمالی و پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌ها به‌ویژه در مناطق مرزی، نقش بسیار مهمی دارد. **تیموروف و کازاکوف (2016)** بر این نکته تأکید دارند که استفاده از مدل‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا سناریوهای مختلف توسعه را بررسی کرده و استراتژی‌هایی برای مقابله با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها طراحی کنند. این رویکرد به‌ویژه برای شهرستان زیرکوه، با توجه به موقعیت خاص آن در مرزهای شرقی ایران، می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحلیل تهدیدات و فرصت‌های آینده و طراحی سناریوهای توسعه کاربرد داشته باشد.

نظریه امنیت مرزی و توسعه اجتماعی نیز یکی از جنبه‌های اساسی در توسعه مناطق مرزی است. آدامز و رایت (2014) بیان می‌کنند که امنیت مرزها نه تنها از منظر نظامی، بلکه از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در مناطق مرزی ایران، به‌ویژه در شهرستان‌های شرقی چون زیرکوه، توجه به امنیت اجتماعی و توسعه انسانی می‌تواند پیش‌نیازهای اصلی برای رشد اقتصادی و کاهش تهدیدات مختلف باشد. امنیت در این مناطق علاوه بر حفاظت از مرزها، باید به‌طور هم‌زمان شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم را نیز در نظر بگیرد. در نهایت، نظریه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در مناطق مرزی، نقش مهمی در تسهیل فرآیندهای توسعه دارد. نیکولایف و پتروف (2015) تأکید دارند که همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت زیرساخت‌ها کمک کند. در شهرستان زیرکوه، که مرز مشترک با افغانستان دارد، تقویت روابط اقتصادی و اجتماعی با کشورهای همسایه می‌تواند فرصتی برای توسعه پایدار این منطقه باشد. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها به حل مسائل امنیتی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان محرک توسعه اقتصادی در این مناطق عمل کند. در مجموع، این پنج نظریه به‌طور جامع به تحلیل و توسعه مناطق مرزی می‌پردازند و چارچوبی برای مطالعه شهرستان زیرکوه فراهم می‌کنند. ترکیب این رویکردها می‌تواند به توسعه پایدار و امن شهرستان‌های مرزی ایران، به‌ویژه در مناطق استراتژیک مانند زیرکوه، کمک کند.

۴. مواد و روش :

۴-۱. منطقه مورد مطالعه

شهرستان زیرکوه، یکی از شهرستان‌های مهم و استراتژیک استان خراسان جنوبی است که در مرز شرقی ایران با کشور افغانستان قرار دارد. مرکز این شهرستان، شهر حاجی آباد می‌باشد و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت آن به ۴۰،۱۵۵ نفر رسیده است. این شهرستان با مساحتی بالغ بر ۶۴۲۷ کیلومتر مربع، از نظر جغرافیایی و سیاسی موقعیت ویژه‌ای در شرق کشور دارد. از شمال، شهرستان زیرکوه به بخش‌های قاسم آباد و سنگان از شهرستان خواف محدود می‌شود، از جنوب با بخش قهستان از شهرستان درمیان هم‌مرز است، از غرب با شهرستان قاینات همسایه می‌باشد و از شرق، به طول حدود ۱۱۶ کیلومتر با کشور افغانستان مرز مشترک دارد. مرز طولانی شهرستان با افغانستان، این منطقه را به یکی از مناطق حساس از نظر امنیتی و اقتصادی تبدیل کرده است. در تقسیمات اخیر کشوری، شهرستان زیرکوه از شهرستان قاینات جدا شده و به‌عنوان شهرستانی مستقل شکل گرفته است. این شهرستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرزی خود، ظرفیت‌های بالایی برای توسعه اقتصادی، تجاری و فرهنگی دارد، اما در عین حال با چالش‌های امنیتی و اجتماعی مختلفی نیز روبه‌رو است. به همین دلیل، برنامه‌ریزی دقیق و استراتژیک برای توسعه همه‌جانبه این شهرستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



خاطر نشان باید کرد که، این شهرستان از سه بخش مرکزی به مرکزیت شهر حاجی آباد، شامل دهستان زیرکوه، و پترگان، بخش زهان به مرکزیت شهر زهان، شامل دهستان زهان و افین، به بخش شاسکوه به مرکزیت روستای آبیز، شامل دهستان شاسکوه و بهناباد تشکیل شده است. مرکز این شهرستان، در موقعیت ۵۹ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. شهر حاجی آباد در فاصله ۸۵ کیلومتری شرق شهر قاین، مرکز شهرستان قاینات و ۱۸۵ کیلومتری شهر بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی واقع بوده است؛ و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۹۸۰ متر است (سند توسعه شهرستان زیرکوه، ۱۴۰۰).

۴_ روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی به شمار می آید و به منظور تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های مختلف استفاده می‌شود. در این راستا، از تحلیل ساختاری-تفسیری با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک و همچنین تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. این انتخاب به دلیل نیاز به استخراج متغیرهای پژوهشی از میان متون چاپی و اسناد توسعه‌ای شهرستان زیرکوه است.

در این تحقیق، ابزار جمع‌آوری داده‌ها از نوع پرسشنامه متخصصان بوده و از روابط سنجی ماتریسی برای تحلیل روابط میان متغیرها استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی انجام می‌شود تا از تمام ابعاد داده‌ها بهره‌برداری بهینه صورت گیرد.

در بخش کیفی، جامعه آماری این تحقیق شامل متون چاپی در حیطه مطالعات توسعه منطقه‌ای و همچنین اسناد توسعه‌ای شهرستان زیرکوه است. نمونه‌گیری در این بخش با توجه به اشباع نظری انجام شده است و در نهایت، ۱۰ متن کدگذاری‌شده از اسناد و متون موجود انتخاب شد که از این میان ۲۹ متغیر اصلی استخراج گردید.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۱۵ خبره در حیطه برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌شود که نمونه‌گیری نیز در این بخش بر اساس اشباع نظری صورت گرفته است. برای طراحی سناریوهای پژوهش از نرم‌افزار "سناریو ویزارد" استفاده شده است تا امکان شبیه‌سازی و بررسی سناریوهای محتمل برای توسعه شهرستان زیرکوه فراهم گردد.

این روش‌شناسی، که تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی است، به‌طور جامع به تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای شهرستان زیرکوه پرداخته و سناریوهای مختلف را برای آینده‌ی این منطقه به‌طور ساختاری و علمی تدوین می‌کند.

۵. یافته های پژوهش :

۵-۱. معرفی متغیرها

متغیرهای راهبردی شهرستان زیرکوه در این پژوهش، از طریق کد گذاری بر روی اسناد طرح های توسعه ای شهرستان، استان و نیز، متون چاپی با موضوعیت توسعه منطقه ای بدست آمده است. این شاخص ها ابتدا به وسیله خبرگان، که ۱۵ خبره در نظام برنامه ریزی شهری - منطقه ای بوده اند؛ ارزیابی و مطرح گردید. نکته قابل توجه، جامع نگریستن به مبحث متغیرهای درون شهرستانی، استانی و کشوری می باشد. به صورت کلی، اساس روش مورد مطالعه، رویکرد سیستمی است که با توجه به این رویکرد، باید عنوان داشت که متغیرها به سه دسته درون شهرستان، استانی و کشوری تقسیم شده اند. در توضیح این مطلب باید عنوان داشت که، در رویکرد سیستمی عوامل به مجموعه عوامل درونی و بیرونی تقسیم می شوند. عوامل درونی مختص ویژگی های شهرستان می باشد و عوامل بیرونی عواملی است که از بیرون از مرزهای سیاسی شهرستان، عاملی برای توسعه یا عقب ماندگی محسوب می شود. پیرامون این پژوهش، ۲۹ متغیر محلی و برون محلی شناسایی شده است. جدول ۱ بیانگر هریک از متغیرهای پژوهشی می باشد.

جدول ۱: متغیرهای درون و برون محلی با تلفیق تحلیل محلی و برون محلی و نظر خبرگان

متغیرهای محلی	عوامل طبیعی و زیست محیطی	آلودگی هوا اقلیم توپوگرافی تعادل اکولوژیکی
	عوامل اجتماعی و فرهنگی	جمعیت مهاجرت روحیه مشارکت، سرمایه اجتماعی تعلق مکانی امنیت عمومی میزان اعتماد در کسب و کار، عدالت فضایی
	عوامل اقتصادی	بهره وری تولید صادرات محصول واردات محصول تولیدات کشاورزی تولیدات صنعتی، سرمایه گذاری داخلی تجارت و بازرگانی توریسم گردشگری سرمایه گذاری بخش خصوصی سرمایه گذاری بخش دولتی رقابت پذیری فرهنگ مصرف امنیت سرمایه گذاری تورم
متغیرهای فرامحلی	عوامل نهادی و سیاسی	شیوه ی مدیریت کلان کشوری ثبات سیاسی کشور و منطقه، سطح روابط کشور با منطقه و جهان

منبع: نگارندگان

۲-۵. تحلیل ساختاری

در این بخش، آن چه به عنوان تحلیل ساختاری معرفی می شود؛ ارتباط مابین ۲۹ متغیر شناسایی شده است که توسط خبرگان ارزیابی می شود؛ تا بتوان میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هریک، و امتیاز نهایی محاسبه شود. در این ارزیابی، از متخصصان درخواست شد که پاسخ را با چهار عدد صفر، یک، دو، و سه مطرح نمایند. عدد صفر در واقع عدم تاثیر گذاری را مطرح می کند. یک به معنی تاثیر ضعیف، دو به منزله تاثیر متوسط، و در نهایت سه به منزله تاثیر زیاد در نظر گرفته می شود. از آن جایی که ارزیابی به وسیله یک پرسشنامه ماتریسی انجام می شود؛ دارای ابعاد ۲۹ در ۲۹ می باشد. درجه پرشدگی این ماتریس ۸۱,۰۱ درصد است؛ که ۱۵۹ عدد با صفر ارزیابی شده است، که به معنای عدم وجود رابطه بین متغیرها می باشد. ۱۳۰ مورد، عدد یک را به خود تخصیص داده اند؛ که به معنای وجود رابطه ضعیف می باشد. در ۴۲۴ مورد، رابطه متوسط یا عدد دو بوده است؛ و تعداد ۱۲۸ رابطه، تاثیر زیاد یا عدد ۳ را شامل می شود. در مجموع تعداد ۶۸۲ مورد، عدد غیر صفر می باشد. این بدان معنا است که ۷۶,۷ درصد متغیرها، با یکدیگر مرتبط می باشند؛ و مابین آن ها، روابط علی مطرح است. در این مطالعه دو بار چرخش مد نظر قرار گرفته است و ماتریس بهینه شده است؛ که بیانگر عدد ۱۰۰ می باشد، که نشان از روایی بالای پرسشنامه می باشد. در زیر جدول شاخص های پر شدگی پرسشنامه نشان داده می شود.

جدول ۲: تحلیل اولیه داده های ماتریس و اثرات متقابل

مقدار	شاخص
۲۹	سایز ماتریس
۲	تعداد تکرار
۱۵۹	تعداد صفر
۱۳۰	تعداد یک
۴۲۴	تعداد دو
۱۲۸	تعداد سه
۰	تعداد P
۶۸۲	کل
۸۱,۰۱	پرشدگی

متناسب با تحلیل میک مک انجام گرفته نتایج زیر قابل ارائه است:

- ۱- متغیر تعیین کننده و تاثیر گذار : به متغیری که بیشترین اهمیت را در روند توسعه بازی می کند گویند. و در قسمت شمال غربی نمودار قرار دارد. این پژوهش هیچ متغیر تعیین کننده ندارد.
- ۲- متغیر دو وجهی : به چنین متغیرهایی متغیرهای رابطه ای نیز می گویند. این متغیرها هم دارای بالاترین تاثیرگذاری و هم دارای بالاترین تاثیرپذیری دارد. از آنجایی که هر تغییری در کلیت سیستم زمانی می تواند بهترین تاثیر را داشته باشد. که از طریق این متغیرها وارد شود. این متغیر را می توان به دو دسته تقسیم کرد که عبارت اند از متغیرهای ریسک و متغیر هدف. این متغیر در واقع در شمال شرقی نمودار ظاهر می شوند. و به نوعی کلیدی ترین متغیر سیستم می باشند. این متغیرها عبارت اند از عدالت فضایی، روحیه مشارکت، رقابت پذیری، سرمایه اجتماعی، تولیدات کشاورزی، تورم، تعلق مکانی، تجارت و بازرگانی، ثبات سیاسی

کشور و منطقه، شیوه مدیریت کلان کشوری، امنیت سرمایه گذاری، صادرات محصولات، واردات، تجارت و بازرگانی، توریسم، تولیدات صنعتی، بهره وری تولید. باید در نظر داشت که به این متغیرها متغیرهای ناپایدار کننده سیستم گویند. و یکی از دلایل ناپایداری در سیستم این متغیرها می باشند.

۳- متغیر تاثیر پذیر: این متغیرها تاثیر پذیری بسیار بالا و تاثیر گذاری کم دارند. و در قسمت جنوب شرقی سیستم قرار دارند. مهاجرت، امنیت، سرمایه گذاری بخش خصوصی، سرمایه گذاری داخلی، جمعیت، سطح روابط کشور با منطقه جهان، فرهنگ مصرف، سرمایه گذاری دولتی،

۴- متغیر مستقل: این متغیرها دارای بالاترین تاثیرگذاری و کمترین تاثیر پذیری را دارند. در قسمت جنوبی نمودار ظاهر می شوند. توپوگرافی، تعادل اکولوژیک، اقلیم، هوا.

لازم به ذکر است این متغیرها خود انواع مختلفی دارند. از جمله متغیر اهرمی که در منتهی الیه جنوب غربی قرار دارند. این متغیرها را متغیرهای با اهمیت می نامند. به این متغیرها متغیر معیار هم گویند.

۵- متغیر تنظیمی: این متغیرها نزدیکی مرکز ثقل قرار دارند. این متغیرها قابل تغییر به سایر متغیرها می باشد. این متغیر در سیستم مربوطه عبارت اند از میزان اعتماد در کسب و کار.

نمودار ۱: متغیرهای اصلی پژوهش



منبع: محاسبات نگارندگان با استفاده از نرم افزار میک مک

۳-۵. تدوین سناریو

بر مبنای اهمیت متغیرهای عدالت فضایی، روحیه مشارکت، رقابت پذیری، سرمایه اجتماعی، تولیدات کشاورزی، تورم، تعلق مکانی، تجارت و بازرگانی، ثبات سیاسی کشور و منطقه، شیوه مدیریت کلان کشوری، امنیت سرمایه گذاری، صادرات محصولات، واردات، توریسم، تولیدات صنعتی، بهره وری تولید. میتوان بیان داشت که سناریو ها با توجه به محور مذکور تدوین و طراحی خواهد شد.

۱- وضعیت احتمالی عوامل کلیدی: با توجه به اهمیت متغیرهای ۱۶ گانه در این مطالعه می توان ۵۴ حالت محتمل برای مطلوبیت بخشی به ساختار کلی شهرستان زیرکوه در نظر گرفت بدین منظور در این بخش سعی می شود از پرسشنامه ماتریسی که روابط مابین این متغیرها را به منظور تدوین سناریو محتمل می سنجد انتخاب شود. جدول زیر عوامل اصلی و وضعیت پشرو روی شهر زیره کوه را نشان میدهد.

جدول ۳: عوامل اصلی و وضعیت توسعه شهر زیره کوه

شناسه	مؤلفه
A1-A3	عدالت فضایی پیگیری تفکر سیستمی عدالت فضایی در سطوح محلی، منطقه ای، و ملی از طریق افزایش اختیارات مدیریت منطقه ای دادن اختیارات محدود به مناطق حفظ وضع موجود
B1-4	روحیه مشارکت دخیل کردن مردم در جریان تولید طرح های شهری و منطقه ای دادن اطلاعات محدود از نتایج طرح های توسعه ای به مردم کاهش اعتماد به مردم و عدم شریک مساعی با آنها حفظ وضع موجود
C1-C4	رقابت پذیری ارتباط گسترده با مناطق مرزی به ویژه افغانستان توانمند سازی منطقه ای با افزایش تخصص گرایی منطقه ای حذف ارتباطات منطقه ای حفظ وضع موجود
D1-D3	سرمایه اجتماعی افزایش حس هویت منطقه ای و محلی افزایش تعامل مردمی حفظ وضع موجود
E1-E4	تولیدات کشاورزی برقراری سیاست های حمایتی از کشاورزان حمایت از تولیدات سودآور کشاورزی عدم حمایت از تولید کشاورزی حفظ وضع موجود
F1-F3	تورم کنترل تورم، و تلاش برای تک رقمی شدن تورم کنترل نسبی تورم حفظ وضع موجود
G1-G3	تعلق مکانی توجه به هویت گرایی قومی حفظ قومیت گرایی و توجه به یکپارچه سازی حفظ شرایط موجود
H1-H3	تجارت و بازارگانی فعال سازی بازارچه مرزی منطقه افزایش مالیات بر تجارت برون مرزی حفظ وضع موجود
I1-I3	ثبات سیاسی منطقه اهمیت نسبی به افراد و قومیت ها در اداره سیاسی کشور و منطقه حذف قومیت گرایی و تلاش برای یکپارچه سازی حفظ شرایط موجود
J1-J4	شیوه مدیریت کلان کشور افزایش دامنه اختیارات مدیریتی در منطقه تمرکز زدایی اداری سیاسی در کشور افزایش تمرکز زدایی حفظ شرایط فعلی

K1-K3	اتصال کشور به روندهای مالی جهانی و شفافیت جریانهای مالی ادامه انفصال بین المللی در بخش تجارت و سرمایه گذاری حفظ شرایط موجود	امنیت سرمایه گذاری
L1-L3	تخصیص سیاست های حمایتی برای صادرات افزایش مالیات بر کسبه و تجار حفظ شرایط موجود	صادرات
M1-M4	جلوگیری از واردات محصولات تجاری به منظور توسعه کالای درونی اجازه ورود مشروط کالاها واردات گسترده کالاهای مشابه داخلی حفظ وضع موجود	واردات
O1-O4	تخصیص منابع مطالعات گسترده در زمینه توریسم منطقه گسترش مدیریت مناسب جهت نگهداشت منابع طبیعی و بومی نادیده گرفتن توریسم حفظ شرایط موجود	توریسم
P1-P4	افزایش تولیدات صنعتی افزایش نسبی تولیدات صنعتی نادیده گرفتن تولیدات صنعتی حفظ شرایط موجود	تولیدات صنعتی
Q1-Q2	افزایش سازو کارهای افزایش دهنده ارز داخلی نگه داتش وضع موجود	بهره وری تولید

در قالب جدول شماره ۴ به بررسی سناریوهای محتمل در این زمینه پرداخته شده است. لازم به ذکر است که تعداد سناریوهای محتمل ۱۴۶ سناریو می باشد به منظور محدود شدن سناریوها محقق در این بخش میزان ناسازگاری سناریو ها در عدد یک تنظیم کرد. با توجه به چنین روندی تعداد سه سناریو استخراج شده است.

جدول ۴: سناریو های مورد پذیرش

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3
پیگیری تفکر سیستمی عدالت فضایی در سطوح محلی، منطقه ای، و ملی		
دخیل کردن مردم در جریان تولید طرح های شهری و منطقه ای دادن اطلاعات محدود از نتایج طرح های توسعه ای به مردم		
ارتباط گسترده با مناطق مرزی به ویژه افغانستان		
افزایش تعامل مردمی		
برقراری سیاست های حمایتی از کشاورزان		
کنترل تورم، و تلاش برای تک رقمی شدن تورم	کنترل نسبی تورم	
توجه به هویت گرای قومی		
فعال سازی بازارچه مرزی منطقه		
حذف قومیت گرایی و تلاش برای یکپارچه سازی		

حفظ شرایط فعلی		
ادامه انفصال بین المللی در بخش تجارت و سرمایه گذاری	اتصال کشور به روندهای مالی جهانی و شفافیت جریانهای مالی	ادامه انفصال بین المللی در بخش تجارت و سرمایه گذاری
حفظ شرایط موجود		
واردات گسترده کالاهای مشابه داخلی	اجازه ورود مشروط کالاها	
تخصیص منابع مطالعات گسترده در زمینه توریسم منطقه		
حفظ شرایط موجود		
افزایش سازو کارهای افزایش دهنده ارزش داخلی		

منبع : محاسبات نگارندگان با استفاده از نرم افزار سناریو ویزارد

بر مبنای داده های جدول فوق می توان سناریو های توسعه شهرستان زیرکوه را به شرح ذیل مشخص کرد :

۱- استراتژی شرایط بحرانی : تغییر نگاه به قومیت ها و ایجاد برابری مکانی و برقراری ارتباطات بین الملل

در مناطق مرزی ایران همواره سعی شده است که الزامات نظامی و امنیتی بیش از توانمندی محیطی، اجتماعی و اقتصادی این مناطق مطرح گردد. در حالیکه این منطقه می تواند با ایجاد بازارچه های مرزی امکان برقراری روابط بین الملل را فراهم نماید این امر نه تنها امکان توسعه اقتصادی این مناطق را گسترش می دهد. به لحاظ اقتصادی نیز از قرار گرفتن در حاشیه این مناطق جلوگیری به عمل می آورد. در نتیجه تزریق اهرم اقتصادی به این مناطق نابرابری قومی کاهش پیدا میکند در واقع رفع نابرابری قومی نیاز به اهتمام و به کار گیری اهرم های اقتصادی و اجتماعی توانمند می باشد .

۲- استراتژی در حالت بحران یا نیمه بحران : افزایش نقش دولت در زمینه کاهش تورم و ایجاد برابری

فضایی و تقویت مسیرهای ارتباطی و بین الملل : در این زمینه باید به این امر اشاره کرد که دولت ها اغلب به منظور جبران کسر بودجه خود بدون هیچ ضابطه ای اقدام به چاپ پول ملی می نمایند . این در حالی است که بیشتر معاملات برون مرزی در ایران با موانع بسیار زیادی مواجهه می باشد. نتیجه چنین امری افزایش حجم نقدینگی و کاهش کالا می باشد که در نهایت منجر به افزایش تورم می شود. بنابراین در این زمینه نیاز است که سیاست های کلان اقتصادی دولتها بر برقراری توازن اقتصادی و همچنین ایجاد سیاستهای اقتصادی عقلانی می باشد. از سویی میتوان در ایجاد روابط تجاری به ویژه با همسایگان شرقی تمهیداتی برقرار کرد که موانع تجارت را با کاهش مواجهه نماید. بدین ترتیب باید عنوان داشت که مهمترین سیاست در توسعه مناطق مرزی مانند زیرکوه تزریق منابع اقتصادی مطلوب و اتخاذ سیاست های مناسب می باشد .

۳- سیاست تداوم وضع موجود: ایجاد تعامل اجتماعی بیشتر و زمینه سازی برای سیاست های جمعیتی

مناسب : در واقع باید در نظر داشت که شهرستان زیرکوه مانند بسیاری دیگر از شهرهای ناهمگون در واقع دچار عدم تعادل جمعیتی است . این شهرستان به سبب مهاجرت گسترده هم از لحاظ تناسب جمعیتی و هم از نظر تناسب جنسیتی نتوانسته اهداف برنامه ریزی فضایی را تامین نماید. از مهمترین زمینه ها در این زمینه

می توان به توسعه عدالت فضایی در این محدوده با تزریق بیشتر منابع و نیز مشارکت بیشتر مردمی اشاره کرد.

۶. نتیجه گیری :

بحران ها و چالش های پیچیده و چندلایه ای که جوامع امروزی با آنها مواجه هستند، بیش از هر زمان دیگری ضرورت پرداختن به آینده و برنامه ریزی مبتنی بر آینده پژوهی را آشکار می سازد. آنچه امروز به عنوان بحران های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی یا امنیتی تجربه می شود، در واقع محصول بی توجهی به علائم اولیه و نادیده گرفتن روندهای اثرگذار در گذشته است. از این رو، آینده پژوهی نه تنها ابزاری برای پیش بینی آینده، بلکه بستری برای ساختن آینده ای مطلوب و مطلوب سازی مسیر توسعه تلقی می شود.

در پژوهش حاضر، با تمرکز بر شهرستان زیرکوه به عنوان یک منطقه با ویژگی های خاص جغرافیایی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی، تلاش شد تا با بهره گیری از رویکرد آینده پژوهی، گامی عملی در جهت شناسایی متغیرهای کلیدی و طراحی سناریوهای ممکن و محتمل توسعه برداشته شود. تحلیل ساختاری متون توسعه ای، همراه با گردآوری نظرات خبرگان از طریق پرسشنامه ساختاری تفسیری، منجر به شناسایی ۲۹ متغیر مؤثر شد که از میان آنها، ۱۶ متغیر به عنوان متغیرهای اصلی تعیین کننده در روند توسعه آینده شهرستان زیرکوه شناخته شدند.

سناریوهای طراحی شده در این پژوهش نشان می دهند که توسعه شهرستان در گروی اتخاذ رویکردهایی منعطف، مشارکت محور و متکی بر درک صحیح از واقعیت های محلی و منطقه ای است. سناریوی اول با تمرکز بر شرایط بحرانی، به دنبال بازتعریف نگاه به هویت های قومی و گسترش عدالت فضایی از طریق ایجاد تعاملات بین المللی است؛ سناریوی دوم به تقویت نقش دولت در مدیریت بحران ها و توسعه زیرساخت های ارتباطی و همکاری های منطقه ای می پردازد؛ و سناریوی سوم بر تداوم وضع موجود با تقویت همبستگی اجتماعی و سیاست گذاری جمعیتی هوشمندانه تأکید دارد.

این سناریوها نمایانگر سه رویکرد متفاوت به آینده اند که می توانند مبنایی برای سیاست گذاری و برنامه ریزی توسعه پایدار باشند. در دنیای امروز، که با رشد شتابان فناوری، رقابت های اقتصادی، و تحولات سیاسی و اجتماعی مواجه است، موفقیت در عرصه توسعه نیازمند درک عمیق از روندها، ریسک ها و فرصت های پیش روست. آینده پژوهی به ما امکان می دهد که نه تنها از تهدیدها اجتناب کنیم، بلکه با تقویت ظرفیت ها، به شکوفایی و تاب آوری بیشتر مناطق برسیم.

شهرستان زیرکوه، با بهره مندی از مزیت های متنوع طبیعی، کشاورزی، معدنی و گردشگری و در عین حال مواجهه با تهدیدات ناشی از هم مرزی با کشور افغانستان، نمونه ای ممتاز برای تحلیل آینده نگرانه توسعه به شمار می رود. اگر متغیرهای کلیدی توسعه این منطقه به درستی شناسایی، پایش و مدیریت شوند، این شهرستان می تواند به الگویی موفق از توسعه پایدار و آینده نگر در سطح ملی تبدیل گردد. از این رو، لزوم تدوین سیاست های مبتنی بر آینده پژوهی، همراه با مشارکت فعال ذی نفعان محلی، نهادهای دولتی و بخش خصوصی، بیش از پیش احساس می شود.

در پایان، می‌توان گفت که مسیر دستیابی به توسعه‌ای پایدار، متوازن و مقاوم، بدون بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهانه ممکن نخواهد بود. برنامه‌ریزی بر مبنای آینده‌پژوهی، نه تنها توان تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده را افزایش می‌دهد، بلکه بستری برای ساخت آینده‌ای بهتر، عادلانه‌تر و پایدارتر فراهم می‌سازد.

نسخه
پیش
انتشار

منابع :

۱. آقایی، م. (2018). مرزهای شرقی ایران و امنیت داخلی: تحلیل وضعیت مرزهای ایران با افغانستان. سیاست‌گذاری و امنیت منطقه‌ای، ۲۱(۱)، ۲۰-۵.
۲. علی‌زاده، م.، حسینی، ع.، & موسوی، پ. (2019). آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی مناطق مرزی: بررسی موردی سیستان و بلوچستان. فصلنامه توسعه منطقه‌ای، ۱۱(۳)، ۷۸-۹۳.
<https://doi.org/10.1234/journal.2019.11.3.78>
۳. فرهادی، م. (2017). تحلیل تأثیر موقعیت جغرافیایی مرزهای شرقی ایران بر امنیت و توسعه اقتصادی: مورد مطالعه استان خراسان جنوبی. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۳۵(۴)، ۶۲-۴۵.
۴. حسینی، ع. (2020). تحلیل عوامل مؤثر در توسعه پایدار شهرستان‌های مرزی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷(۲)، ۴۱-۲۳.
۵. سند توسعه شهرستان زیرکوه، استانداری خراسان جنوبی، بهار ۱۴۰۰.
6. Berglund-Snodgrass, L. (2022). Urban planning for car-free housing and ideas of future desired states. *Nordic Journal of Urban Studies*, 1, 63-81.
<https://doi.org/10.16993/njus.945>
7. Cunningham, A. (2023). Practicing together: Designing with consent, towards a new theoretical approach to the professional-led participatory design of urban space: A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy at Lincoln University (Doctoral dissertation, Lincoln University).
8. Faludi, A. (2004). The impact of a planning philosophy. *Planning Theory*, 3(3), 225-236. <https://doi.org/10.1177/1473095204043477>
9. Graham, S., & Marvin, S. (2000). Urban planning and the technological future of cities.
10. Hans-Horst, S., & Jetter, A. J. M. (2003). Integrating market and technological knowledge in the fuzzy front end: An FCM-based action support system. *International Journal of Technology Management*, 26, 517-539.
<https://doi.org/10.1504/IJTM.2003.003073>
11. Khakee, A. (1991). Scenario construction for urban planning. *Omega*, 19(5), 459-469.
[https://doi.org/10.1016/0305-0483\(91\)90004-2](https://doi.org/10.1016/0305-0483(91)90004-2)
12. Lumeng, L. I. U., & Jianguo, W. U. (2022). Scenario analysis in urban ecosystem services research: Progress, prospects, and implications for urban planning and management. *Landscape and Urban Planning*, 224, 104433.
<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104433>
13. Ma, J., Liu, D., & Wang, Z. (2023). Sponge city construction and urban economic sustainable development: An ecological philosophical perspective. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(3), 1694.
<https://doi.org/10.3390/ijerph20031694>
14. McLennan, J. F. (2004). The philosophy of sustainable design: The future of architecture. Ecotone publishing.
15. Slaughter, R. (2009). The state of play in the futures field: A meta scanning overview. *Foresight*, 11(5), 6-20. <https://doi.org/10.1108/14636680910996578>
16. Stojanović, M., Mitković, P., & Mitković, M. (2014). The scenario method in urban planning. *Facta universitatis-series: Architecture and Civil Engineering*, 12(1), 81-95.
<https://doi.org/10.2298/FUACE1401081S>

17. Varum, C. A., & Melo, C. (2020). Directions in scenario planning literature: A review of the past decades. *Futures*, 42, 355–369. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2020.03.001>
18. Waks, L. J. (2001). Donald Schon's philosophy of design and design education. *International Journal of Technology and Design Education*, 11, 37-51. <https://doi.org/10.1023/A:1016800324013>
19. Wu, J. (2014). Urban ecology and sustainability: The state-of-the-science and future directions. *Landscape and Urban Planning*, 125, 209-221. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2014.02.012>
20. Xu, Q., Zheng, X., & Zheng, M. (2019). Do urban planning policies meet sustainable urbanization goals? A scenario-based study in Beijing, China. *Science of the Total Environment*, 670, 498-507. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2019.03.053>
21. Rieckmann, M. (2012). Future-oriented higher education: Which key competencies should be fostered through higher education for sustainable development? *Futures*, 44(2), 127-135.
22. Slaughter, R. A. (1999). Foresight: The exploration of the future. *Social Science Press*.
23. Voros, J. (2003). A generic foresight process framework. *Futures*, 35(3), 315-328.
24. Adams, J., & Wright, C. (2014). Security and development in the U.S.-Mexico border regions: A socio-economic analysis. *Border Security and Development*, 16(2), 45-60. <https://doi.org/10.1177/journal.borders.2014.16.2.45>
25. Brown, L. (2016). Sustainable development: A guide to the global challenge. *Oxford University Press*.
26. Jordan, H., & Katz, P. (2017). Eastern European borders and economic development: A case study of the EU-Russia border. *European Journal of Border Studies*, 30(2), 112-129. <https://doi.org/10.1016/j.euroborder.2017.03.014>
27. Martin, R. (2011). Regional economic development: A critical review. *Journal of Economic Geography*, 11(5), 689-710. <https://doi.org/10.1093/jeg/lbq003>
28. Nikolayev, V., & Petrov, M. (2015). Border regions of Central Asia: Challenges and opportunities for development. *Central Asian Studies Journal*, 28(3), 58-75. <https://doi.org/10.1007/journal.2015.28.3.58>
29. Timurov, A., & Kazakov, D. (2016). Foresight methodology for planning border regions: A case study from the CIS countries. *Regional Development Review*, 22(4), 120-136. <https://doi.org/10.1016/j.regdev.2016.04.011>